

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

رساله کارشناسی ارشد مدرّسی معارف اسلامی

**موضوع:**

**بررسی و نقد نظریه عدل الهی**

**علامه طباطبائی**

**استاد راهنما:**

حجه الاسلام و المسلمین دکتر عسکر دیرباز

**استاد مشاور:**

حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمد ذبیحی

**نگارنده:**

محسن فتاحی اردکانی

زمستان ۱۳۸۸

## تقدیم به :

اشرف مخلوقات مولا و صاحب همه ما حجه بن الحسن  
العسکری بر پا کننده عدل الهی در زمین آنگاه که زمین  
از ظلم و جور پر خواهد شد.

و تقدیم به همسر عزیزم که در دیار غربت با وجود از دست  
دادن پدر بزرگوار خویش در حین تدوین رساله پدر شهید  
شیخ مهدی هاتفی سوگوارانه و صبورانه و دلسوزانه فضایی  
آرام را برایم فراهم ساخت که به حق او سهم عمده ای بیش  
از من در تدوین این رساله داشته است.

و تقدیم به فرزندم علی

## تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگواری که در محضرشان از آغاز تاکنون علم و ادب آموختم تقدیر و تشکر کنم.

از تمام اساتید محترم و عوامل مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم بی نهایت سپاسگزارم و از خداوند منان آرزوی سلامتی و موفقیت ایشان را در تمام عرصه های زندگی خواستارم. از جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای دکتر عسکر دیرباز و حجه الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمد ذبیحی اساتید محترم راهنما و مشاور نیز تشکر ویژه دارم.

## چکیده:

عدل الهی از جمله مسائلی است که ذهن هر انسان موحدی را به خود معطوف می‌کند و نه تنها دینداران بلکه منتقدان افکار دینی را به تکاپو و جنبش وامی‌دارد. عدل الهی از اصول اعتقادی امامیه به شمار می‌آید و در اهمیت این مسأله همین بس که در کنار توحید قرار گرفته است. اگر عدل الهی به درستی تبیین شود می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلاتی که باعث پیدایش علل مادیگری و الحاد شده است را بخشکاند و زمینه بسیاری از انحرافات عقیدتی و عملی را از بین ببرد. عدل الهی با توجه به ارتباط تنگاتنگ آن با حوزه رفتار انسان همواره جزو دل مشغولی او بوده، اگرچه خود به این مسأله توجهی نداشته باشد. چرا که با توجه به حوادث و وقایع ناگواری که در زندگی او رخ می‌دهد قطعاً سؤالاتی در ذهن او به وجود می‌آید. حال، آحاد مردم نسبت به ظهور اینگونه حوادث دو گونه هستند گروهی فریاد اعتراض سر داده و زمان و زمین را مقصر می‌دانند و گروهی دیگر چون خداوند را عادل علی‌الاطلاق می‌دانند و این مسأله برای آنان حل شده است اگر به سبب این حوادث و شرور هم پی نبرند فریاد به اعتراض بلند نمی‌کنند زیرا می‌دانند که خیرات و شرور این عالم مادی درهم تنیده است و لازمه نظام مادی وجود ویژگی‌های آن می‌باشد. پژوهش حاضر که به صورت کتابخانه‌ای است به تبیین این مسأله و براهین و شبهات آن از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخته است که عدل از جمله اوصاف خداوند است و مبتنی بر حسن و قبح عقلی می‌باشد و علاوه بر آیات و روایات، براهین عقلی متعددی از جمله برهان واجب الوجود، برهان صدیقین و برهان عنایت و علم و غنای مطلق بر آن دلالت می‌کند. و در پایان این رساله به دیدگاه علامه در رابطه با عدل الهی و شبهات وارده بر آن که عمدتاً شرور و نقایص است پرداخته شده، به اعتقاد ایشان فرض عالم ماده که نظام اسباب و مسببات است بدون ویژگی‌های آن، مستلزم عدم تحقق عالم ماده است. جهان مادی که عالم تغییر، تحوّل، تبدل و تزاحم است چنین اقتضایی را داشته که شرّ و نقص در آن وجود داشته باشد. اگر نقصی است در قابلیت قابل است نه در فاعلیت فاعل، نقص در فیض الهی نیست بلکه فیض خداوند همواره جریان داشته و خواهد داشت.

**کلیدواژه ها:** عدل، عدل الهی، واجب الوجود، عنایت، خیر و شر

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	بیان مساله
۲	اهمیت موضوع
۳	پیشینه موضوع
۴	سوالات و اهداف پژوهش
۵	روش تحقیق
۵	توضیحات
	<b>فصل اول :</b>
۷	کلیات
۸	۱-۱. تعریف عدل
۱۰	۲-۱. بیان علامه طباطبایی درباره معنای عدل
۱۲	۳-۱. عدل و حکمت الهی
۱۳	۴-۱. رابطه عدل و حکمت
۱۳	۵-۱. معنای لغوی حکمت

۱۴	۶-۱. حکمت در اصطلاح.....
۱۴	۱-۶-۱ حکمت به معنای عام.....
۱۷	۲-۶-۱ حکمت به معنای خاص.....
۱۹	۷-۱. مبتنی بودن عدل و حکمت بر مساله حسن و قبح عقلی.....
۲۴	۸-۱. تفسیر عدلیه و اشاعره از عدل الهی.....
۲۹	۹-۱. جایگاه عقل در مکتب اهل بیت.....
۳۱	۱۰-۱. اصل میانه روی در مکتب اهل بیت.....
۳۴	۱۱-۱. دلایل حسن و قبح عقلی.....
۳۴	۱-۱۱-۱. بدیهی و وجدانی بودن حسن و قبح.....
.....	۲-۱۱-۱. انکار ادراک و احکام ضروری عقلی، ملازم با انکار ونفی همه چیز.....
۳۶	.....
۳۶	دیدگاه علامه در این زمینه.....
۳۸	۱-۱۱-۳. دو اشکال مطرح شده بر حسن و قبح و بیان علامه در این رابطه.....
۳۸	۱-۱۱-۳. قبول حسن و قبح نوعی محدودیت برای قدرت خداوند.....
۴۱	۱-۱۱-۳. عدم تغییر در حسن و قبح در صورت ذاتی آن.....
۴۲	بیان علامه در این باره.....
۴۴	۱-۱۲. پاره ای از آثار حسن و قبح عقلی.....
۴۴	۱-۱۲. وجوب شناخت خداوند.....
۴۵	۱-۱۲-۲. تنزیه افعال خداوند از عبث.....
۴۶	۱-۱۲-۳. عدل خداوند و بیان علامه در این باره.....
۴۸	۱-۱۳. گستره ی عدل الهی.....
۵۱	۱-۱۴. مظاهر عدل الهی.....
۵۱	۱-۱۴-۱. عدل تکوینی و بیان علامه در این باره.....
۵۵	۱-۱۴-۲. عدل تشریحی و بیان علامه.....

۶۲	.....۳-۱۴-۱. عدل کیفری و بیان علامه
۶۴	.....۱۵-۱. ارتباط عدل الهی با اصول دین
	<b>فصل دوم :</b>
۶۹	.....براهین عدل الهی
۷۰	.....۱-۲. براهین عقلی
۷۰	.....۱-۱-۲. برهان واجب الوجود بالذات
۷۰	.....دیدگاه علامه در نهاییه والمیزان
۷۴	.....نقد و بررسی
۷۷	.....۲-۱-۲. برهان صدیقین و اثبات صفات کمالیه خداوند از جمله عدل
۷۸	.....۱-۲-۱-۲. مقدمات برهان صدیقین
۷۹	.....۲-۲-۱-۲. تقریر برهان در کلام علامه
۸۲	.....نقد و بررسی
۸۳	.....۳-۱-۲. برهان عنایت
۸۳	.....۱-۳-۱-۲. دیدگاه علامه در تعریف عنایت
۸۵	.....۲-۳-۱-۲. مشتمل بودن عنایت به سه چیز
۸۸	.....۳-۳-۱-۲. استدلال اول علامه
۸۹	.....نقد و بررسی
۹۱	.....۴-۳-۱-۲. استدلال دوم علامه
۹۳	.....نقد و بررسی
۹۳	.....نقد اول
۹۴	.....نقد دوم
۹۵	.....نقد سوم
۹۵	.....۴-۱-۲. برهان علم و غنای مطلق
۹۷	.....۱-۴-۱-۲. مقدمات برهان



- ۹۸.....نقد و بررسی برهان.۲-۴-۱-۲
- ۱۰۰ ..... ۲-۲.براهین نقلی
- ۱۰۰.....۱-۲-۲.آیات قران
- ۱۰۲.....۲-۲-۲.روایات

## فصل سوم :

- ۱۰۳.....عدل الهی و شبهات وارده بر آن
- ۱۰۴ ..... ۱-۳.احسن بودن نظام خلقت
- ۱۰۷.....۲-۳.تفاوتها لازمه جریان اسباب و مسببات درعالم
- ۱۱۱.....۳-۳.خیر و نیکو بودن افعال خداوند
- ۱۱۴.....۴-۳.دوام فیض الهی و عدم قابلیت قابل
- ۱۱۴ ..... دیدگاه علامه در این باره
- ۱۱۸.....۵-۳.ماهیت خیر و شر
- ۱۲۴.....۱-۵-۳.عدمی بودن شر
- ۱۲۵.....۲-۵-۳.نسبی بودن شر
- ۱۲۶.....دیدگاه علامه در این زمینه
- ۱۳۰.....نقد و بررسی
- ۱۳۳ ..... ۶-۳.درهم تنیدگی و عدم انفکاک خیر و شر در عالم ماده
- ۱۳۳ ..... دیدگاه علامه در این رابطه
- ۱۳۶ ..... ۷-۳.قلیل بودن شرور نسبت به خیرات درجهان مادی
- ۱۳۶ ..... دیدگاه علامه در این زمینه
- ۱۳۹ ..... نقد و بررسی
- ۱۴۲ ..... ۸-۳.فوائد شرور
- ۱۴۳ ..... ۱-۸-۳.برهان حکمت
- ۱۴۴ ..... سخن علامه در این باره

۱۴۵	.....	۲-۸-۳. برهان زیبایی شناختی
۱۴۵	.....	سخن علامه در این باره
۱۴۷	.....	۳-۸-۳. برهان تکامل
۱۴۸	.....	سخن علامه در این باره
۱۵۰	.....	<b>نتیجه گیری</b>
۱۵۳	.....	<b>فهرست منابع</b>
۱۵۷	.....	چکیده انگلیسی

## مقدمه

### بیان مسأله

عدل الهی همواره از موضوعاتی بوده که برای نویسندگان جذاب بوده است. نویسندگان بر این اندیشه است که این موضوع ذهن هر انسان موحدی را به خود معطوف می‌دارد و نه تنها دینداران بلکه این مسأله مورد توجه منتقدان افکار دینی نیز می‌باشد. موضوعی که یک دنیا حرف و مسأله را در درون خود جای داده است. اگر مسأله عدل الهی به درستی مورد تبیین قرار گیرد زمینه بسیاری از انحرافات عقیدتی و عملی و از جمله علل گرایش به مادیگری و الحاد گرفته خواهد شد. مسلماً یکی از عمده ترین مسائلی که پیرامون بحث الهی مطرح می‌شود مسأله شرور است. این مسأله رابطه تنگاتنگی با عدل الهی دارد به طوری که شاید بتوان گفت اولین موضوعی که بعد از شنیدن و یا دیدن کلمه عدل الهی، تبادر به ذهن می‌کند، مسأله شرور باشد و لذا مسأله عدل الهی مسأله‌ای است که با زندگی روزمره مردم گره خورده و مسائل آن برای همه مردم جذاب و مورد سؤال و توجه آنها است و در این میان تفاوتی بین قشر باسواد یا بی سواد نیست. این موضوع مسأله‌ای است که ذهن همه مردم حتی به اصطلاح، مردم کوچه و بازار را به خویش درگیر کرده است. سؤالات و شبهاتی که گاهی در ذهن مطرح می‌شود و احیاناً بی جواب باقی می‌ماند.

آنچه گذشت انگیزه‌هایی بود که نگارنده موضوع نقد و بررسی عدل الهی از دیدگاه علامه طباطبایی را برگزیند و به تحقیق و بررسی پیرامون آن بپردازد. عدل الهی از جمله مسائلی است که همواره بحثی نو و تازه بوده و خواهد بود و لازم است که اندیشمندان و متفکران اسلامی

پیرامون آن بیشتر به تفکر و تعمق پردازند ولی به نظر می‌رسد که این مسأله با توجه به اهمیت و جایگاهی که دارد آنطور که شایسته بوده است مورد توجه و کنکاش جدی قرار نگرفته است. شهید بزرگوار استاد مطهری به نوعی اشاره به این مطلب نموده است ایشان در مقدمه کتاب عدل الهی می‌گوید: «علی رغم کوتاهی حکما در طرح این مسأله متکلمان به علل خاص مذهبی و تاریخی بحث در عدل الهی را سر لوحه مباحث خود قرار داده اند»<sup>۱</sup> استاد در ضمن، اشاره دارند که متکلمین در این مسأله پیشگام بوده‌اند ایشان در جای دیگری در مقدمه عدل الهی می‌گوید: «اهل فن می‌دانند که حکمای اسلامی بر خلاف متکلمین در باب الهیات بابتی تحت عنوان عدل باز نکرده‌اند عقاید حکما را درباره این مسأله از لابلای سایر مباحث باید به دست آورد.»<sup>۲</sup>

## اهمیت موضوع

عدل الهی یکی از اصول اعتقادی و از اصول دین امامیه به حساب می‌آید از اهمیت این اصل همین بس که در کنار توحید قرار گرفته است. تبیین این مسأله می‌تواند ریشه بسیاری از مسائلی که باعث پیدایش علل ما دیگری و الحاد شده است را بخشکاند و انسان را از بدبینی نسبت به خالق خویش رهایی بخشد و او را نسبت به آنچه در نظام هستی واقع می‌شود خوش بین سازد و به نقص‌ها و ناملایماتی که در جهان هستی هر روزه شاهد آن است و در زندگی روزمره خود با آنها دست و پنجه نرم می‌کند کنار آید اگر عدل الهی برای انسان به خوبی تبیین شود و به شبهات و اشکالاتی که ممکن است در ذهن هر کسی وجود داشته باشد به درستی پاسخ داده شود دیگر چنین انسانی با اندک ناملایمتی که در زندگی مشاهده می‌کند فریاد اعتراض سر نمی‌دهد که چرا خداوند چنین و چنان کرد و اگر احیاناً به خاطر عدم درک حقیقت پی به اسرار این ناسازگاری‌ها و ناملایمات نمی‌برد لب فرو می‌بندد و فریاد به اعتراض بلند نخواهد کرد چرا که با تبیین درست این موضوع، او به خوبی درک کرده است که خداوند عادل علی‌الاطلاق است و اگر نقصی وجود دارد متوجه خداوند تبارک و تعالی نیست بلکه

<sup>۱</sup> - مرتضی مطهری، عدل الهی، چاپ ۲۸، انتشارات صدرا، ۱۳۸۶، ص ۱۷

<sup>۲</sup> - همان، ص ۱۷

این نقص متوجه او است، اوست که با فهم و درک ناقص خود نمی‌تواند ناسازگاری‌ها و ناملازمات را درک کند و پی به اسرار آن ببرد.

## پیشینه موضوع

درباره مسأله عدل الهی مسلماً یکی از کتابهایی که در این زمینه به خوبی به طرح و بررسی این موضوع پرداخته است کتاب عدل الهی استاد شهید مرتضی مطهری است. البته استاد مطهری در خلال کتابهای دیگرشان به مسأله عدل الهی اشاره کرده‌اند به عنوان مثال ایشان در جلد چهارم از مجموعه آثار به بحث توحید و شرور پرداخته‌اند ولی کتاب عدل الهی ایشان اختصاص به این موضوع داشته و انصافاً بحث جامعی را ارائه داده‌اند. از دیگر کتابهایی که در رابطه با موضوع عدل الهی نگاشته شده است و به خوبی به طرح این موضوع پرداخته عدل الهی از دیدگاه امام خمینی است که این کتاب توسط معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تهیه شده است و از دیگر کتابهایی که می‌توان در این زمینه نام برد تتودیسسه و عدل الهی از مهین رضایی است که این کتاب مقایسه‌ای بین آراء شهید مطهری و لایب نیتس می‌باشد.

نویسنده در رابطه با موضوع عدل الهی از دیدگاه علامه طباطبایی هیچ کتابی یا پژوهشی را نیافتیم.

بضاعت ناچیز نگارنده از یک سو، و از طرف دیگر عدم پژوهش در رابطه با موضوع عدل الهی از دیدگاه علامه طباطبایی بر سختی کار افزود.

امیدوارم این اثر ناچیز با توجه به توان اندک علمی نویسنده مورد قبول واقع شود و گامی هر چند کوچک در تبیین عدل الهی از دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی باشد در اینجا لازم است که نویسنده خود اعتراف کند که نتوانسته است آنطوری که شایسته مقام علمی علامه است قدم بردارد.

## سؤالات و اهداف پژوهش

در این رساله تلاش شده است با طرح سؤالات زیر چهار چوب اصلی رساله حاضر شکل گیرد.

اهداف و سؤالاتی که در طول تدوین رساله مذکور همواره مد نظر بوده و در تبیین اندیشه‌های علامه طباطبایی راه گشا بوده است به شرح ذیل می‌باشد. اصلی ترین سؤال این است که:

تبیین عدل و عدل الهی از دیدگاه علامه طباطبایی چگونه است؟ و آیا می‌توان نقدی بر آن وارد کرد؟

بعد از تبیین عدل الهی در اصطلاح علامه طباطبایی سؤالات دیگری پیش رو است و آن این که:

- ۱- رابطه عدل با حکمت چیست؟
  - ۲- رابطه عدل و حکمت با مسأله حسن و قبح چیست؟
  - ۳- آیا عدالت خداوند به حوزه‌های خاصی از شؤون الهی اختصاص دارد و یا اینکه عدالت خداوند مطلق است و تمام شؤون خداوند را در بر می‌گیرد؟
- بعد از بررسی این سؤالات نوبت به رویکرد اصلی رساله یعنی براهین عدل الهی و شبهات عدل الهی می‌رسد و سؤالات ذیل مطرح می‌شود.
- ۱- براهین عدل الهی چیست و کلام علامه در این رابطه چه می‌باشد؟
  - ۲- ماهیت شر چیست؟ و نظر علامه طباطبایی در این زمینه چیست؟
  - ۳- از طرفی وجود ناملازمات در عالم مسلم است و از سوی دیگر خداوند عادل است ایندو چگونه قابل جمع است؟ و نظر علامه در این باره چیست؟

## روش تحقیق

روش پژوهش تحلیلی است و در این رساله تلاش شده ضمن تحلیل و بررسی نظرات علامه طباطبایی به نقد آن نیز پرداخته شود نحوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

## توضیحات

در اینجا لازم است پیش از شروع رساله توجه خوانندگان را به نکاتی جلب کنم.

۱ - بحث عدل الهی بیشتر یک بحث کلامی است و همانطوری که شهید مطهری فرموده‌اند متکلمین در این عرصه پیشگام بوده‌اند و نظرات حکمای اسلامی را باید در خلال مباحث فلسفی جستجو کرد و لذا رساله حاضر رساله‌ای فلسفی، کلامی است و نه صرفاً فلسفی و یا کلامی و لذا در فصل اول که کلیات نام گرفته است در بسیاری از موارد نویسنده به کتب کلامی نیز رجوع کرده است به عنوان مثال در بحث مبتنی بودن عدل الهی به مسأله حسن و قبح، مسأله حسن و قبح مسأله‌ای بیشتر کلامی است تا فلسفی و نویسنده‌ی به اندازه توان علمی خود به جستجوی این مسأله در کتب علامه طباطبایی پرداخته و همین مقداری را که بعداً ملاحظه خواهید کرد را یافته است، نویسنده حتی چندین مرتبه تمام فهرست کتب المیزان را جزء به جزء بررسی نموده و بحثی را که مربوط به حسن و قبح و عدل الهی در این زمینه باشد، به همین مقدار پیدا نموده است.

۲ - نگارنده در نقل از منابع عربی به تناسب موضوعات ملتزم به آوردن متون عربی بوده است و صرفاً به ترجمه متون عربی اکتفاء نکرده است به دلیل اینکه اولاً: خواننده این رساله خود فردی متخصص است.

ثانیاً: به اعتقاد نویسنده ترجمه متون مهمترین عامل برای سوء استفاده و القاء آنچه مترجم خدای ناخواسته قصد القاء آن را به خواننده دارد می‌باشد و لذا نویسنده به تناسب موضوعات عین عبارت علامه طباطبایی را در رساله آورده است.

ثالثاً: خواننده که خود فردی متخصص است با توجه به متن عربی و کلام نویسنده، خود به قضاوت خواهد نشست و داوری را در نقد و بررسی کلام علامه به عهده خواهد گرفت.

۳- نویسنده خود در طول تدوین رساله به نتایجی دست یافته است ولی از آنجا که عدل الهی و مسائل پیرامون آن از جمله مسائلی است که با بسیاری از مباحث کلامی و فلسفی در ارتباط می‌باشد. و لذا چون اهل تخصص و اطلاع کافی نبوده ام شاید در برخی موارد صرفاً ابهامات و ندانسته های خود را نقد و خدشه ای موجه بر آراء علامه طباطبایی دانسته ام.



# فصل اول:

## کلیات

## ۱-۱. تعریف عدل

با مراجعه به کتابهای لغت می‌توان دریافت که برای لغت عدل معانی متعددی بیان شده است مجمع البحرین لغت عدل را این گونه تعریف کرده است.

والعدل فديه و العدل ایضا المثل و حقیقته ذوالعدل و هو الذی لا یمیل به الهوی فیجور فی الحکم و العدل خلاف الجور و العدل لغه هو التسویه بین الشیئین و عند المتکلمین هو العلوم المتعلقة بتنزیه ذات الباری عن فعل القبیح و الاخلال بواجب و العدل القصد فی الامور و العدیل: الذی یعادلک فی الوزن و عدلته تعدیلاً فاعتدل: سوئته فاستوی و العادل الواضع کل شیء موضعه<sup>۳</sup>

عدل به معنای فدییه و مثل و صاحب عدل کسی است که به واسطه هوای نفس منحرف نمی‌شود تا ظلم کند و عدل نقیض ظلم است و به مساوات بین دو چیز نیز عدل گفته می‌شود نزد متکلمین به معنای منزّه بودن خداوند از قبیح و اخلال به واجب است عدل به معنای میانه روی در امور و موزون بودن در وزن و به معنای تسویه است عادل کسی است که هر چیزی را به جای خویش می‌گذارد.

لسان العرب عدل را این گونه تعریف کرده است:

عدل ما قام فی النفوس انه مستقیم و هو ضد الجور فلان یعدل فلاناً ای یساویه عدل الشیء یعدله عدلاً و عادله: وازنه و عادلته بین الشیئین و عدلت فلاناً بفلان اذا سویت و العدیل: الذی یعادلک فی الوزن و القدر.<sup>۴</sup>

۳ - فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج اول، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۹۸۵ م، ج ۵، ص ۴۲۰-۴۲۱ ذیل ماده عدل.

۴ - محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، بیروت، بی جا، بی تا، ج ۱۱، ص ۴۳۰، ذیل ماده عدل.

همان طوری که ملاحظه می‌شود برای عدل معانی متعددی ذکر شده است از جمله این که عدل نقیض ظلم و جور است، مساوات و برابری بین دو شیء، اعتدال و میانه روی در امور، موزون بودن در وزن و اندازه می‌توان چنین نتیجه گرفت که جامع معانی عدل به این معنی بر می‌گردد که هر چیزی در جایگاه مناسب خود قرار گیرد به گونه‌ای که سهم مناسب خود را از هستی دریافت نموده است به طوری که به دیگری نیز تعدی و تجاوز نکرده است. به همین معنی در روایات و کلمات ائمه معصومین اشاره شده است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: العدل یضع الامور مواضعها<sup>۵</sup>

فلاسفه و حکمای اسلامی نیز همین معنی را برگزیده‌اند سبزواری در معنای عدل چنین می‌گوید: وضع کل شیء فی موضعه و اعطاء کل ذی حق حقه<sup>۶</sup>

جالب است که مولانا نیز در اشعار خود عدل را به همین معنی تعبیر کرده است بنابراین وضع هر چیزی در موضع خود عدل نامیده می‌شود همچنان که ظلم، تعدی و تجاوز از حد و حق خویش است.

امیرالمومنین در معرفی بهترین بندگان خداوند چنین می‌فرماید:

قد الزم نفسه العدل و كان اول عدله نفي الهوى عن نفسه يصف الحق و يعمل به<sup>۷</sup>

محبوب ترین و بهترین بندگان خدا کسی است که نفس خود را به عدل ملزم نموده است و اولین مرتبه عدالت او این است که از پیروی نفس دوری کرده است چنین بنده‌ای حق را می‌شناسد نه تنها از آن تجاوز نمی‌کند بلکه به آن عمل نیز می‌کند.

و باز حضرت می‌فرماید: التوحيد الا تتوهمه و العدل الا تتهمه<sup>۸</sup>

---

مقایس اللغه در مورد معنای عدل می‌گوید: اصلاں صحیحان لکنهما متقابلان کالمتضادان: احدهما یدل علی استواء والاخر یدل علی اعوجاج فالاول العدل من الناس: المرضی المستوی الطریقۃ یقال هذا عدل و یقال للشیء یساوی الشیء هو عدله و عدلت بفلان فلاناً و هو یعادلہ و المشرک یعدل بربه کانه یسوی به غیره و العدل: نقیض الجور تقول عدل فی رعیته و یوم معتدل اذا تساوی حالا حره و بره

فاما الاصل الآخر فیقال فی الاعوجاج: عدل و انعدل ای انعرج، ابن الحسین احمد بن فارس بن زکریا، مقایس اللغه، مکتب الاعلام السلامی، ۱۴۰۴. ج. ۴. ص. ۲۴۶

۵ - محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ سوم، لقمان، ۱۳۷۹، حکمت ۴۳۷.

۶ - ملا هادی سبزواری، شرح الاسماء الحسنی، ص ۵۴ به نقل از علی ربانی گلپایگانی، کلام تطبیقی، چاپ دوم، قم، جامعه المصطفی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲.

۷ - محمد دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۸۷، ص ۱۴۶.

توحید این است که خداوند را به وهم نیاوری و عدل این است که خداوند را در آنچه انجام داده متهم نسازی.

بنابراین از روایات استفاده می‌شود که عدل به معنای ارج نهادن به حقوق و حدود شایسته هر چیزی است و ظلم، در مقابل چنین معنایی است بنابراین عدل و ظلم معنای گسترده و فراگیری دارند و از مصادیق متفاوتی برخوردارند از سویی دیگر تجاوز از حدود حقوق نیز دارای مراتب گوناگونی است پس عدل و ظلم از امور تشکیکی می‌باشند. شناخت کامل عدل و ظلم با همه مصادیق آن‌ها آن گاه امکان پذیر است که از همه روابط و حدود و حقوق و جایگاه شایسته هر چیزی آگاهی داشته باشیم و بدیهی است که دست یافتن به چنین آگاهی از توان آدمی خارج است.<sup>۹</sup>

## ۱-۲. بیان علامه طباطبایی درباره معنای عدل

علامه طباطبایی همین معنی را در مورد عدل به کار برده است ایشان در ذیل آیه «إن الله یامر بالعدل و الاحسان»<sup>۱۱</sup> ابتدا معنای لغوی عدل را از مفردات راغب نقل کرده و سپس می‌فرماید: عدل همان حد وسط و اجتناب از جانب افراط و تفریط در امور است و این معنی لازمه معنای عدل است چرا که حقیقت عدل همان مساوات و موازنه بین امور است به این که به هر چیزی سهم و جایگاه شایسته اش داده شود به طوری که هر چیزی در جایگاهی که استحقاق آن را دارد قرار گیرد.

فقره «أن الله یامر بالعدل» امر بالعدل و یقابله الظلم قال فی المفردات: العداله و المعادله لفظ یقتضی معنی المساواه و یستعمل باعتبار المضایقه و العدل بفتح العین و العدل بکسرهما یتقاربان لکن العدل بفتح العین یستعمل فیما یدرک بالبصیره کالاحکام و علی ذلک قوله تعالی «او عدل ذلک صیاماً» و

۸ - همان، حکمت ۴۷۰.

۹ - علی ربانی گلپایگانی، کلام تطبیقی، ص ۱۲۲ و دانش نامه امام علی (ع)، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۳۳.

۱۰ - نحل/۹۰.